



● فرشته رحمانی
پژوهشگر

مقدمه

فضاسازی چیست؟

بسیاری معتقدند فضاسازی خاص هنرهای تصویری است و در سایر رسانه‌ها جایگاهی ندارد. درحالی‌که چنین نیست در تمام هنرها اعم از تصویری، تجسمی و غیره فضاسازی عامل مهم درک مفهوم هنری است و هنرمند به یاری همین عامل است که می‌تواند به کالبد هنر خود روح بخشد.

فضاسازی در واقع نشئت گرفته از خلاقیت هنرمند و عامل تشخیص هویت هنری اوست. در هنرهای تجسمی مثل نقاشی، فضاسازی مترادف با کمپوزیسیون یا ترکیب بندی است، به نحوی که هنرمند با بهره‌گیری از عناصری چون رنگ، شکل، حجم و... اثری هارمونیک خلق می‌کند تا ترکیب به وجود آمده مخاطب را به درک بیشتر اثر رهنمون سازد.

در هنرهای تصویری از جمله سینما، تلویزیون و تئاتر فضاسازی با میزانشن مترادف داشته و در واقع هنر چیدمان عناصر صحنه اعم از نور، دکور، جایگاه بازیگر، لباس و...

در طول تاریخ نمایش، حتی یک اثر نمایشی را نمی‌توان یافت که بدون داشتن ساختاری جذاب، توانسته باشد مخاطب را مجذوب خود سازد. جذابیت، عامل مهم تولید هیجان و افزایش بار عاطفی صحنه نمایش است و در تمام آثار نمایشی، این مسئله همواره مورد توجه قرار گرفته که کنش نمایشی در جهت ایجاد فضای دراماتیک و خلق اثر جذاب اتفاق افتد.

برخورداری از یک ساختار جذاب و دراماتیک کاملاً منوط به نحوه بهره‌گیری خالق اثر از عناصری است که در اختیار دارد. در رادیو نیز ساختار دراماتیک نمایش منفک از اجزای آن نیست، اما آنچه در رادیو بیش از همه مهم است چگونگی و میزان توجه به هر یک از عناصر نمایش است که اثری بی‌واسطه در ایجاد فضای جذاب نمایشی دارد. این مقاله به ضرورت و اهمیت فضاسازی در نمایش‌های رادیویی می‌پردازد.

است. به گونه‌ای که بیشترین و عمیق‌ترین تأثیر را بر بیننده می‌گذارد و روح او را تسخیر می‌سازد. اما در رسانه‌ای مثل رادیو به دلیل آنکه مخاطب هیچ عنصر دیداری در اختیار ندارد و تنها به کمک رمزها و کدهای رادیویی که همان واژه‌ها هستند باید مفهوم پیام را

درک کند، کار هنرمند دشوارتر و مهم‌تر می‌نماید، چرا که او تنها با کمک صداها، باید فضایی خلق کند تا شنونده خود را از آغاز تا پایان برنامه به شکل فعال و پرشور حفظ نماید (کرایسل، ۱۳۸۱: ۲۴۷-۲۴۵).

از آنجایی که در نمایش‌های رادیویی تقریباً همه عوامل تولید نمایش یعنی نویسنده، بازیگر، کارگردان، صدابردار، آهنگ‌ساز و افکتور رسالتی همسان دارند و از طرفی فضا سازی، دقیقاً منوط به بخش اجرایی یک کار هنری است، لازم است عناصر نمایش یعنی کلام، موسیقی و جلوه‌های صوتی دارای پتانسیل اجرایی کافی بوده و عوامل تولید نیز قرابت ذهنی لازم را دارا باشند تا نمایشی با ساختاری محکم و جذاب تولید شود.

نمایش رادیویی چیست؟

نمایش رادیویی در واقع تجسم حوادث و وقایعی است که از زبان قهرمانان داستان نقل می‌شود، یعنی به جای اینکه واقعه‌ای دیده شود مجموعه‌ای از صداها، وقایع را در ذهن مخاطب مجسم می‌سازند. پس این صداها هستند که رویدادها را در تخیل شنونده به تصویر می‌کشند. البته باید در نظر داشت که در رادیو صدا همواره یک امکان محسوب نمی‌شود بلکه گاهی نیز محدودیت است و محدودیت صدا نفی سکوت است (معین افشار، ۱۳۸۱: ۱۷). تصور کنید موضوع صحنه نمایش، دزدی است که وارد اتاقی می‌شود و بی سروصدا، اشیاء و اموالی را برمی‌دارد، در این صحنه سکوت مؤثرترین عامل تقویت‌کننده کیفیت احساسی صحنه است، اما آیا می‌توان آن را در رادیو پخش کرد؟

در رادیو آنجا که سکوت عامل اساسی تشدید هیجان

صحنه است باید از جلوه صوتی و موسیقی مناسب استفاده کرد. توجه به این نکته ضروری است که در نمایش‌های رادیویی هیچ جایی برای حشو، تفصیل، توصیف‌های زیاده‌از حد، شخصیت‌های غیر ضروری و یا جلوه‌های صوتی زائد وجود ندارد. هر صدا و هر قطعه موسیقی کارکرد مهمی دارد. به همین دلیل رادیو موجزترین رسانه نمایشی

است که می‌تواند در خلوت اتاق شنونده یعنی در ذهن وی تجربه شود (برخوردار، ۱۳۸۱: ۷۸-۷۶).

مجموعه عناصر نمایش از این جهت حائز اهمیت هستند که ساختار اثر را تشکیل می‌دهند به ویژه در رادیو ساختاری که فاقد انسجام، توازن و جذابیت باشد از علاقه شنونده می‌کاهد و موجب قطع ارتباط او با اثر می‌شود. شکل‌گیری ساختار قوی در آثار نمایشی کاملاً منوط به نقش اجزای نمایش و میزان به کارگیری آن است که باید از سوی تهیه‌کننده نمایش مورد توجه قرار گیرد (ریچاردز، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۱).

فضاسازی به کمک داستان

در هر اثر نمایشی، داستان (موضوع و روند شکل‌گیری آن) اهمیت و جایگاه ویژه‌ای دارد و طراحی قصه‌ای مناسب در چارچوبی معین و زیبا جذابیت نمایش را افزایش می‌دهد. داستان خود برگرفته از موضوعی خاص است و متناسب با شرایط جامعه انتخاب می‌شود، اما اینکه چه موضوعاتی در قالب چه صحنه‌هایی می‌تواند نمایش رادیویی جذابی به وجود آورد موضوع مورد توجه ماست.

از آنجایی که در رادیو داستان به کمک جلوه‌های صوتی، کلام و موسیقی ارائه می‌شود شکل‌گیری صحنه‌های جذاب نیز به عوامل متعددی وابسته است. بیش از هر چیز باید به این موضوع توجه داشته باشیم که شنونده رادیو مجبور نیست به آنچه در حال اجراست گوش دهد، پس نویسنده نمایش باید کاری کند که از امور روزمره خود دست بکشد و تا پایان نمایش همراه باشد. چند دقیقه متن کسل‌کننده کافی است تا شنونده خود را از دست بدهیم. کار نویسنده حتی از این هم مشکل‌تر و مهم‌تر است چون او باید با

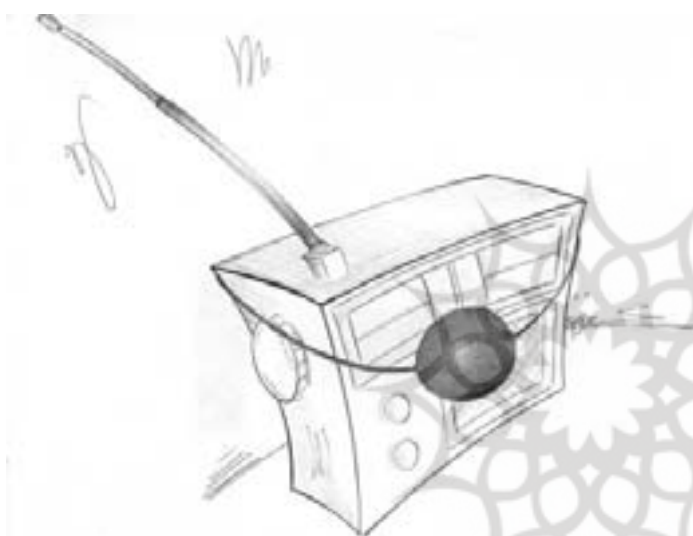
وقفه‌های ناگزیر نیز مبارزه کند. زنگ تلفن، گریه بچه و یا ورود مهمان، از عواملی است که شنونده را از شنیدن برنامه مورد نظر بازمی‌دارد. به همین دلیل نویسنده با انتخاب موضوع مناسب و صحنه‌های جذاب باید بتواند همواره علاقه مخاطب را حفظ کند.

موضوع نمایش‌های رادیویی باید برگرفته از مسائل روز جامعه باشد. موضوعات خیلی عام و یا خیلی خاص در رادیو جایگاهی ندارد، چون شنونده نمی‌تواند با آن هم‌ذات‌پنداری کند. شنونده‌های رادیو اغلب به نمایش‌هایی گوش می‌دهند که آنها را سرگرم کند و یا به نشاط آورد.

در رادیو آنجا که سکوت عامل اساسی تشدید هیجان صحنه است، باید از جلوه صوتی و موسیقی مناسب استفاده کرد. در نمایش‌های رادیویی هیچ جایی برای حشو، تفصیل، توصیف‌های زیاده از حد، شخصیت‌های غیر ضروری و یا جلوه‌های صوتی زائد وجود ندارد.

منفعل ساختن او می‌شود. به علاوه هرچند عنصر تصادف تقویت‌کننده هیجان صحنه است، اما اگر به کرات و یا بدون هیچ پیش‌زمینه ذهنی برای مخاطب اتفاق بیفتد از جذابیت اثر کاسته و موجب قطع ارتباط شنونده با نمایش می‌شود (ریچاردز، ۱۳۸۱: ۴۷).

صحنه شروع نمایش رادیویی نیز بسیار مهم است. اگر تا سه دقیقه اول نتوانیم شنونده را علاقه‌مند کنیم، حتماً او را از دست خواهیم داد. بهتر است صحنه آغازین با کمک موسیقی، جلوه‌های صوتی، گفت‌وگویی جذاب و یا هر سه آنها، گوش را به تصرف خود درآورد (همان: ۲۵).



در هنگام شروع نمایش، کنش نیز اهمیت زیادی دارد. نمایشی که آغاز آن با توصیف فضا، زمان، مکان، شخصیت و... باشد هیچ جذابیتی ندارد. بهتر است همه این اطلاعات در قالب کنش به شنونده منتقل شود. آغاز مبهم و یا آغازی که به دنبال آن صحنه‌ها به شدت از نظر سبک و تأثیر تغییر می‌کند نیز بسیار خطرناک و فاقد جذابیت است.

نقش گفت‌وگو در فضا سازی

در نمایش‌های رادیویی، گفت‌وگو بار اصلی انتقال مفهوم را به عهده دارد. شرح رویدادها، توصیف شخصیت‌ها و حتی بسیاری از انتقالات صحنه به وسیله گفت‌وگو انجام می‌شود. چنانچه گفت‌وگویی دارای بیان شیوا و یا سنجیده نباشد از بار دراماتیک صحنه کاسته می‌شود و اشتیاق مخاطب از بین می‌رود. به همین دلیل در تمام نمایش‌های رادیویی گفت‌وگو باید کوتاه، روشن و ساده باشد. از گفت‌وگوهای خانوادگی باید اجتناب کرد، زیرا در این نوع گفت‌وگو، زیاده‌گویی چشمگیری وجود دارد که از محتوای کلام می‌کاهد (همان: ۸۴-۸۶).

داستان و صحنه‌هایی که هیچ هیجانی ندارند و یا احساسات شنونده را برانگیخته نمی‌کنند در رادیو جایگاهی ندارند. (یونس، ۱۳۷۹: ۳۴-۳۲).

نقشی که داستان در ایجاد فضای دراماتیک دارد بدون بیان صریح و موجز قابل اجرا نیست، از این رو موضوعات پیچیده و نامفهوم برای شنونده فاقد جذابیت است و او را منفعل می‌سازد. موجز بودن کمک می‌کند تا شنونده در مدت‌زمان کوتاه، صحنه‌ها را تجسم و درک کند. پس بهتر است در هنگام طراحی صحنه، طول هر صحنه نمایش را بیشتر از سه یا چهار دقیقه در نظر بگیریم.

هرچند ایجاد کنش در نمایش‌های رادیویی بسیار دشوار است اما به دلیل قدرت تأثیرگذاری آن لازم است از توصیف صحنه یا شخصیت اجتناب و قصه را در خلال کنش میان شخصیت‌ها نقل کنیم. نکته دیگری که در طراحی صحنه نمایش و نقل داستان حائز اهمیت است، ارتباط وقایع و روابط میان صحنه‌هاست. چنانچه وقایع فاقد رابطه علی باشد، موجب تشویش ذهن شنونده و

فضاسازی به یاری بازیگران نمایش

در تمام آثار نمایشی، از سینما گرفته تا تلویزیون، تئاتر و رادیو، بازیگران بار اصلی کنش نمایشی را به عهده دارند و به همان اندازه نیز در ایجاد فضای دراماتیک نقش آفرینی می‌کنند.

در رادیو، بازیگر انعکاس دهنده تمام ماجراها، احساسات و عوامل درونی و بیرونی داستان است و این نقش با توسل به کلام ایفا می‌شود، بنابراین انتخاب بازیگر متناسب با شخصیت داستان نیازمند دقت زیادی است.

بازیگر نمایش رادیویی، دارای ویژگی‌هایی است که سایر بازیگران رسانه‌های دیگر، لزوماً از این ویژگی‌ها برخوردار نیستند و یا کمتر از آن برخوردارند. آنچه در نمایش رادیویی برای بازیگر توانایی محسوب می‌شود، نقش آفرینی او توسط کلمات است. چون در رادیو بازیگر تنها به وسیله کلمات می‌تواند نقش را برجسته و یا حسی را منتقل سازد. به همین دلیل بازیگر رادیو باید صدای تداعی‌گر، قوی و جذابی داشته باشد چرا که شنونده به کمک صدای بازیگران، آنها را از هم متمایز می‌کند. بازیگرانی که صدای خشن، خفه و یا گویشی خاص دارند، موجب خستگی شنونده می‌شوند.

هرچند که در رادیو می‌توان از جمع کثیری از بازیگران بهره برد اما تأثیرگذارترین نمایش رادیویی آن است که از چهار یا پنج بازیگر بیشتر استفاده نکند. هرچه تعداد بازیگران محدودتر باشد، تمایز آنها از یکدیگر، برای شنونده آسان‌تر خواهد بود و وقایع نیز سریع‌تر تجسم و درک می‌شوند (کرایسل، ۱۳۸۱: ۲۳۰).

متناسب بودن نقش با فرد بازیگر نیز عامل مهمی در ایجاد فضای دراماتیک است؛ بدین معنی که شخصیت‌های قوی در نمایش، زمانی امکان بروز می‌یابند که بازیگران توانمند نقش آنها را ایفا کنند. هرچه بازیگر پتانسیل اجرایی بیشتری داشته باشد نقش برجسته‌تری ارائه خواهد کرد. این موضوع به‌ویژه درباره شخصیت اصلی نمایش مهم است.

در نمایش رادیویی با اینکه سکوت به یاری سایر تمهیدات از جمله جلوه صوتی و موسیقی می‌تواند تأثیرگذار باشد اما نمی‌توان بازیگر خاموش داشت. بازیگر خاموش یا بازیگری که هیچ کنشی ندارد و دائم از زبان دیگر شخصیت‌ها توصیف می‌شود از جذابیت اثر نمایشی می‌کاهد، چرا که از نظر شنونده رادیو بازیگری که صدایش شنیده نمی‌شود کسل‌کننده و بدون هویت است مگر به‌ضرورت داستان که آن هم به‌طور محدود بتوان از این شیوه بهره گرفت (ریچاردز، ۱۳۸۱: ۵۰).

گفت‌وگو باید به واقعیت نزدیک باشد و بتواند ذهن مخاطب را تسخیر کند. استفاده از وقفه‌های کوتاه، جملات ناتمام، مکث‌های دستوری و تغییر موضوع بحث در شکلی فشرده موجب جذاب شدن گفت‌وگوها می‌شود. بهتر است همواره از صورت کوتاه‌نشده جملات استفاده کرد تا گفت‌وگو بیشتر مورد توجه قرار گیرد (یونسی، ۱۳۷۹: ۳۴۷).

گفت‌وگو را نباید به شکل آوانگارد نوشت، یعنی نباید با گویش خاص نوشته شود، بلکه باید با گویش خاص اجرا شود. گفت‌وگو باید دارای محتوای غنی باشد. غنای محتوا نیز به سه عامل بستگی دارد: نحوه استدلال، پرمغز بودن و طنز. نحوه استدلال طرفین گفت‌وگو باید به گونه‌ای باشد که هر جمله که از دهان یکی از آنها خارج می‌شود، شنونده تصدیق کند و به طرف او متمایل شود و با جمله بعدی از

هرچند عنصر «تصادف» تقویت‌کننده هیجان صحنه است، اما اگر به کرات و یا بدون هیچ پیش‌زمینه ذهنی برای مخاطب اتفاق بیفتد، اثر جذابیت اثر کاسته و موجب قطع ارتباط شنونده با نمایش می‌شود.

سوی طرف مقابل به او متمایل گردد و تا پایان صحنه این روند ادامه یابد (معین‌افشار، ۱۳۸۱: ۶۰).

پرمغز بودن بدین معناست که عبارات و جملات مفهوم عمیق و ماندگار داشته باشد. بسیاری از حرف‌ها صحیح‌اند اما همه آنها را می‌دانند و درواقع توضیح و ابهامات‌اند، این گونه عبارات جذابیتی ندارند و حتی ممکن است مخاطب را کسل و خسته کنند (همان: ۶۲).

کاربرد طنز در گفت‌وگو، به غنی شدن محتوا منجر می‌شود. در طنز معمولاً جملات به‌صراحت بیان نمی‌شود بلکه مفهوم در سایه کنایه، ایهام، تضاد و... منتقل می‌گردد. این شیوه کلامی، نه تنها جذاب بلکه بسیار تأثیرگذار است و شنونده رادیو را به وجد می‌آورد. نحوه بیان گفت‌وگوها نیز بسیار مهم است، به‌همین دلیل انتخاب بازیگر متناسب با نقش و دیالوگ، از جایگاه خاصی برخوردار است (همان: ۶۴).

عامل دیگری که اجرای بازیگر را جذاب و تأثیرگذار می‌کند، ارتباط میان بازیگران است. در نمایش‌های رادیویی ضروری است که بازیگران نیازمند یکدیگر باشند و در موقعیت‌های مشترک قرار گیرند. بازیگر هرچند توانمند باشد، اگر دائم منفرد عمل کند، از سوی شنونده کنار گذاشته می‌شود چون ارتباط میان بازیگران فاصله میان آنها را پر و به حفظ توجه بیشتر شنونده کمک می‌کند. در مواردی هم که لازم است بازیگر منفرد عمل کند، حتماً باید فاصله میان او و سایر بازیگران با قدرت کلام، جلوه صوتی و موسیقی مناسب پر شود تا شنونده ارتباط خود را قطع نکند.

اهمیت جلوه‌های صوتی و موسیقی در فضا سازی

جلوه‌های صوتی و موسیقی نیز از عوامل دراماتیک مهمی در آثار نمایشی رادیو به شمار می‌روند. آنچه درباره جلوه‌های صوتی حائز اهمیت است، زمان‌بندی آنهاست که شکل درست آن فضایی دراماتیک و جذاب ایجاد می‌کند، زیرا اغلب نیازهای احساسی نمایشی مستلزم آهنگی با شتاب خاص است و این یعنی فشردگی زمان. فشردگی زمان از این‌رو حائز اهمیت است که در هر صحنه از نمایش اگر زمان در محدوده‌ای معین حفظ نگردد، نتیجه واکنش منفی تماشاگر خواهد بود. نمونه‌ای از زمان‌بندی نادرست باز و بسته شدن در قبل از ورود شخص به صحنه است و یا استارت خوردن خودرو قبل از آنکه کسی سوار آن شده باشد. زمان‌بندی جلوه‌های صوتی درست مثل نوشتن گفت‌وگوهای نمایش اهمیت دارد و باید مورد توجه نویسنده اثر قرار گیرد (معین‌افشار، ۱۳۸۱: ۴۰-۳۹).

توجه به این امر هم ضروری است. اگر رخدادها توالی خاصی دارند، باید پیوند درستی میان جلوه‌های صوتی و گفتار وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت وقفه‌های بی‌مورد اتفاق می‌افتد.

ابهام در برخی صداها نیز عامل مهمی در قطع توجه شنونده به شمار می‌رود. بعضی صداها مثل صدای سشوار، صدای جاروبرقی و از این قبیل وسایل بسیار شبیه‌به‌هم هستند. ضروری است تمایز میان صداها با ادای جمله‌ای کوتاه از سوی شخصیت نمایشی معین گردد تا شنونده دچار ابهام نشود. مثلاً قبل از اینکه صدای سشوار شنیده شود شخصیت بگوید: «بیا

تو دارم موهام رو خشک می‌کنم» (ریچاردز، ۱۳۸۱: ۹۳). موسیقی نیز عنصر مهمی در ایجاد فضای نمایشی و افزایش بار عاطفی صحنه است. به‌ویژه در رادیو که موسیقی جزء جدایی‌ناپذیر مفهوم نمایش تلقی می‌شود، نباید در حاشیه اثر قرار گیرد و لازم است بخشی از متن محسوب شود و به تکامل محتوا منجر گردد.

برای بهره‌گیری درست از موسیقی در نمایش‌های رادیویی می‌توان از دو شیوه استفاده کرد: اول کاربرد موسیقی به‌عنوان عنصر متنی که بخش واقعی داستان نمایش است مثل زمانی که شخصیت اصلی نوازنده سازی است که صدای آن به‌کرات و مستقیم در طول نمایش شنیده می‌شود. دوم استفاده از موسیقی خاطره‌انگیز و احساسی است که عامل تقویت‌کننده هیجان صحنه است. مثلاً شخصیت اصلی یک افسر نظامی جنگ است و درحالی‌که خاطراتش را به یاد می‌آورد، مارش نظامی احساسات او را برانگیخته می‌کند.

از موسیقی خاطره‌انگیز می‌توان برای به‌اوج‌رساندن صحنه‌ای از نمایش بهره گرفت. مثلاً جایی که پیرزنی که هشتاد سال با تک‌گویی‌هایش دوران خوش گذشته را مرور می‌کند، موسیقی احساسی می‌تواند بار عاطفی صحنه را به اوج برساند و احساسات مخاطب را برانگیزد (همان: ۱۰۰-۹۸).

فشردگی زمان در موسیقی نیز عامل مهمی است، چون در غیر این صورت مفهوم صحنه منتقل نخواهد شد.

منابع:

- برخوردار، ایرج (۱۳۸۱) اصول تهیه برنامه‌های رادیویی، تهران: تحقیق و توسعه صدا
- ریچاردز، کیت (۱۳۸۱) نگارش نمایشنامه رادیویی، ترجمه مهدی عبدالله‌زاده، تهران: سروش
- کرایسل، اندرو (۱۳۸۱) درک رادیو، برگردان معصومه عصام، تهران: تحقیق و توسعه صدا
- معین‌افشار، منوچهر (۱۳۸۱) اصول نمایش نامه‌نویسی رادیویی، تهران: تحقیق و توسعه صدا
- یونسی، ابراهیم (۱۳۷۹) هنر داستان‌نویسی، تهران: امیرکبیر